

❦ واژه‌های کلیدی:

لذّت، لذّت معنوی، لذّت مادی، روح، جسم، انسان

❦ مقدمه:

وقتی در وجود خود تأمل کنیم در می‌یابیم که تقریباً همه تلاشهای روزمره ما برای رسیدن به راحتی و خوشی و دور شدن از سختی و رنج و ناراحتی است. گاهی برای رسیدن به راحتی و خوشی پایدارتر و بهتر سختی‌های زیادی متحمل می‌شویم. مقدار زیادی هزینه می‌کنیم، گاهی هم از خوشی‌های محدودتر و کمتر برای رسیدن به لذت‌های بادوام‌تر می‌گذریم. همه اینها مقتضای عقل و فطرت انسان است. اما اختلاف‌هایی بین انسانها دیده می‌شود که بر اثر ترجیح پاره‌ای خوشی‌ها و راحتی‌ها است که معلول تشخیص و اشتباه در محاسبه و عوامل دیگری است که در طول مقاله به آن خواهیم پرداخت. پس می‌توان گفت رسیدن به خوشی و لذّت از یک نظر انگیزه برای فعالیتها و تلاش‌های انسان است و از نظر دیگر نتیجه و ثمره‌ی آنها می‌باشد و از نظر دیگر می‌توان آن را کمال برای انسان به حساب آورد چرا که صفتی است وجودی که انسان استعداد واجد شدن آن را دارد.

❦ لذّت چیست؟

لذّت حالتی است ادراکی که هنگام یافتن شیء دلخواهی برای ما حاصل می‌شود. به شرط آنکه آن شیء را مطلوب خود بدانیم و نیز از یافتن آن آگاه و به آن توجه داشته باشیم، یعنی اگر به یافتن آن توجه نداشته باشیم از آن لذتی نمی‌بریم. بنابراین حصول لذّت علاوه بر وجود ذات لذّت برنده و شیء لذیذ متوقف برداشتن نیروی ادراکی خاصی است که بتوان یافتن مطلوب را با آن درک کرد و هم چنین متوقف بر شناخت مطلوب بودن و توجه به حصول آن است.

لذّت مراتب مختلف دارد و مراتب آن بستگی به شدت و ضعف نیروی ادراک یا مطلوب بودن یا توجه انسان دارد. یعنی ممکن است لذّت کسی از خوردن غذایی لذیذ بیش از لذّت شخص دیگر باشد. برای اینکه ذائقه‌اش قوی‌تر است یا غذا برایش مطلوب‌تر است یا در حال خوردن توجه او فقط طعم غذاست. نه به اطراف و چیزهای دیگر. دوام لذّت نیز بستگی به دوام شرایط تحقق آن دارد و با نابود شدن ذات لذّت برنده یا شیء لذیذ یا تغییر حالت مطلوب بودن آن یا تغییر اعتقاد شخص یا قطع توجه از آن لذّت مفروض از بین می‌رود.



فاطمه نادعلی

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اخلاق

❦ چکیده:

آنچه در این نوشتار از منظر شما خوانندگان می‌گذرد، در ارتباط با موضوع لذّت و اقسام و ویژگی‌های آن منشأ و علل عدم آگاهی انسانها از لذت‌های معنوی است. در این مقاله برآن هستم تا ابزار درک لذّت‌های معنوی و عوامل از کار انداختن این ابزار را بیان کنم و پاسخگوی این مسئله باشیم که آیا اصلاً روح ما به این موهبت عظیم خدادادی نیاز دارد یا خیر؟ و چه چیزهایی ما را به لذت‌های معنوی می‌رساند...

البته قابل ذکر است که برای لذت می توان مصادیقی یافت که نیازی به تعدد یاد شده نداشته باشد. مثلاً انسانی که از وجود خویش لذت می برد.^۱

❁ انواع لذت

انسان دو نوع لذت دارد. یک نوع لذتهایی است که به یکی از حواس انسان تعلق دارد که در اثر برقراری نوعی ارتباط میان یک عضو از اعضاء با یکی از مواد خارجی حاصل می شود مانند لذتی که چشم از راه دیدن و گوش از راه شنیدن و دهان از راه چشیدن و لاسمه از راه تماس می برد. به این نوع لذت ها، لذت مادی می گویند.

نوع دیگر لذتهایی است که با عمق روح و جان آدمی مربوط است و به هیچ عضو خاصی مربوط نیست و تحت تأثیر برقراری رابطه با یک ماده بیرونی حاصل نمی شود. مانند لذتی که انسان از احسان و خدمت یا از محبوبیت و احترام یا از موقعیت خود یا موفقیت فرزند خود می برد که نه به عضو خاصی تعلق دارد و نه تحت تأثیر مستقیم یک عامل مادی خارجی است. به این لذتها، لذت معنوی می گویند.

لذت عبادت و پرستش خدا برای مردم عارف حق پرست از اینگونه لذتهاست.^۲

❁ ویژگی های لذتهای مادی

از مهم ترین ویژگی های لذتهای مادی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محدودیت: به معنای اینکه لذتهای دنیوی عموماً به زمان خاص و مکان خاص محدود می شوند.
۲. موقتی و ناپایدار بودن: لذتهای مادی کوتاه دارند و نشاط حاصل از آنها زودگذر است.
۳. عدم ارضاء روح تکامل گرای انسان: انسان هیچ گاه از دیدن زیبایی ها و خوردن غذاهای لذیذ و ... سیر نمی شود بلکه به هر کدام برسد باز به دنبال بهتر از او می گردد. چون با این امور به آرامش لازم نمی رسد.
۴. عوامل تهدیدکننده لذت های مادی تحت تأثیر آفات طبیعی - فشارهای اجتماعی و ناکامی های ناگهانی قرار داشتن هر کدام از این عوامل به لذتی راه یابند زیبایی و جذابیت لذت را از بین می برند و آثار آن لذات را معدود می سازند.

❁ آثار و عواقب لذتهای مادی

یا توجه به ویژگی های لذتهای مادی قطعاً به این موضوع پی می بریم که اگر کسی صرفاً بخواهد با این گونه ها لذت ها سرگرم شود و فقط و فقط خوشی و راحتی و خیر را در این امور مادی ببیند با مشکلات و رنج ها و غصه های متعددی روبرو خواهد شد ما در این قسمت به طور اجمال عواقب پرخوری شهوترانی و داروهای روان گردان را ذکر می نمایم.

❁ پرخوری

عده ای از مردم بزرگترین لذت و شادکامی آنها در زندگیشان توجه به تغذیه و خوردن غذاهای لذیذ و متنوع با طعم و مزه های مختلف می باشند و همیشه در پی آشنایی و خوردن جدیدترین و خوشمزه ترین غذاها هستند و اما اینگونه افراد طبق نظر دانشمندان پس از خوردن غذا به سردرد، کسالت، احساس بی حالی، سوء هاضمه و پس از گذشت مدت زمانی به افزایش وزن، افزایش چربی خون و عوارضی مانند مرض قند و بیماری های قلبی و عروقی مبتلا می شوند.

❁ شهوترانی

کسانی که اهل این گونه لذتهای مادی هستند معمولاً به اصول خانه و خانواده پایبند نیستند و علاوه بر از هم پاشیدگی خانوادگی و عدم تعهد نسبت به همسر و فرزند، رفته رفته به بیماری های متعددی از جمله سوزاک - سیفلیس و ایدز مبتلا شده که همگی خطرناک و خانمان سوز می باشند.

❁ استفاده از داروهای روان گردان

امروزه عده ای برای فرار از مشکلات و رسیدن به آرامش و احساس شادکامی و لذت از قرص های مخصوصی که آن را قرص شادی یا قرص اکس می نامند استفاده می کنند این دارو یک داروهای روان گردان، مخدر و توهم زامی باشد و اگرچه برای لحظاتی احساس لذت بخشی برای مصرف کننده به ارمغان می آورد اما عوارض بعدی که به دنبال دارد هرگز قابل مقایسه با آن لذت زودگذر نیست که از جمله می توان اضطراب، افزایش ضربان قلب و فشار خون از دست رفتن آب بدن، توهمات شنوایی و بینایی، رفتارهای تهاجمی سنکوب، احساس لرز و تعریق بدن، آسیب رساندن به کبد و کلیه، اختلال در درک و تفکر، خونریزی مغزی و ده ها عارضه دیگر را نام برد.

❁ ویژگی‌های لذت معنوی

از مهمترین ویژگی‌های لذت‌های معنوی می‌توان به عدم محدودیت، دائمی و پایدار بودن و ارتقا کمال روحی انسان در پرتو آن لذت‌ها اشاره کرد.

❁ منشأ لذت معنوی

یکی از امتیازات انسان بر حیوان داشتن ایده و آرمان و ایمان است انسان فاقد هر گونه ایده و ایمان یا به صورت موجودی غرق در خود خواهی در می‌آید که هیچ وقت از لاک منافع فردی خارج نمی‌شود و یا به صورت موجودی مرده و سرگردان در می‌آید که تکلیف خویش را در زندگی و مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی‌داند. انسان اگر به مکتب و عقیده و ایمانی پیوسته باشد تکلیفش روشن است در غیر اینصورت موجودی ناهماهنگ می‌گردد که گاهی به این سو و گاهی به آن سو کشیده می‌شود. آن چه لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که تنها ایمان مذهبی قادر است انسان را به صورت یک «مؤمن» واقعی در آورد.

و نیز خودخواهی و خودپرستی را تحت الشعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی تعبد و تسلیم در فرد ایجاد کند به طوری که انسان در کوچکترین مسئله‌ای که مکتب عرضه می‌دارد به خود تردید راه ندهد و هم آن را به صورت یک شیء عزیز و محبوب و گرانبها در آورد در حدی که زندگی بدون آن برایش هیچ و بوج بی معنی باشد و با نوعی غیرت و تعصب از آن حمایت کند. ایمان مذهبی تنها یک سلسله تکالیف برای انسان علی‌رغم تمایلات طبیعی تعیین نمی‌کند بلکه قیافه جهان را در نظر انسان تغییر می‌دهد. عناصری علاوه بر عناصر محسوس در ساختمان جهان ارائه می‌دهد. جهان خشک و سرد، مکانیکی و مادی را به جهانی جاندار، و شعورمند و آگاه تبدیل می‌کند. و تلقی انسان را نسبت به جهان و خلقت دگرگون می‌سازد.

ویلیام جیمس فیلسوف و روانشناس آمریکایی می‌گوید:

دنایی که فکر مذهبی به ما عرضه می‌کند نه تنها همان دنیای مادی است که قیافه آن عوض شده باشد بلکه در ساختمان آن عالم چیزهایی بیشتری است از آنچه یک نفر مادی می‌تواند داشته باشد (دین و روان) اریک فروم می‌گوید:

هیچکس نیست که نسبت به دین نیازمند نباشد و حدودی برای جهت‌یابی و موضوعی برای دلبستگی خویش نخواهد او خود ممکن است از مجموعه معتقداتش به عنوان دین ممتاز از عقاید غیردینی آگاه نباشد و ممکن است بر عکس فکر کند که هیچ دینی ندارد و معنای دلبستگی خود را

به مسائلی ظاهراً غیر دینی مانند قدرت و پول و یا کامیابی فقط نشانه علاقه به امور عملی و موافق مصلحت بدانند مسأله بر سر این نیست که انسان دین دارد یا ندارد بلکه این است که کدام «دین» را دارد.

مقصود این روانشناس این است که انسان بدون تقدیس و بدون پرستش نمی‌تواند زندگی کند فرضاً خدای یگانه را نشناسد و نپرستد، چیزی دیگر را به عنوان حقیقت برتر خواهد ساخت و او را موضوع ایمان و پرستش خود قرار خواهد داد.

پس چون ضرورت دارد بشر ایده و آرمان و ایمانی داشته باشد و از طرفی ایمانی مذهبی تنها ایمانی است که قادر است بشر را زیر نفوذ واقعی خود قرار دهد و از طرف دیگر انسان به حکم سرشت خویش در جستجوی چیزی است که آن را تقدیس و پرستش کند تنها راه این است که ایمان مذهبی را تقویت کنیم.

شهید مطهری آثار و فواید این ایمان مذهبی را اینگونه بیان می‌فرمایند:

الف: بهجت و انبساط از

از این منظر آثار ایمان مذهبی را می‌توان چنین بیان نمود.

۱- خویش‌بینی به جهان و خلقت و هستی

۲- روشندلی به نور حق و حقیقت

۳- امیدواری به نتیجه‌ی تلاش‌ها

۴- آرامش خاطر نسبت به آینده‌ی منتهی به سعادت

۵- برخورداری از لذت‌های معنوی

ب: بهبود روابط اجتماعی

ج: کاهش ناراحتیها

❁ چرا انسان‌ها در پی چشیدن لذت‌های معنوی نیستند؟

حال با توجه به شناخت منشأ لذت‌های معنوی اشاره به این نکته لازم است که چون اکثریت انسان‌ها از منشأ سرچشمه لذت‌های معنوی آگاهی ندارند و هدف و کمال حقیقی خویش را نیز چنان که باید و شاید نمی‌شناسند و لذت رسیدن به آن را نچشیده‌اند لذا در حدود یافتن و رسیدن به آن بر نمی‌آیند. از طرف دیگر توجه انسان به لذت‌های آنی و زودگذر او را از لذت‌های مطلوب‌تر و مهم‌تر غافل می‌کند انسان وقتی لذتی را درک کرد علاقه‌مند می‌شود که از آن استفاده کند و توجهش به طرف آن جلب

می شود و در نتیجه از لذت‌آرزنده تر که هست و می تواند از آنها بهره مند شود محروم می شود به عبارت دیگر انسان نمی تواند در این جهان از همه لذت‌ها یک جا استفاده کند و از همه‌ی آنچه که لذت دارد بهره مند شود ناچار باید انتخاب کند. در این انتخاب است که دچار اشتباه و لغزش می شود و لذت‌های کم ارزش را ترجیح می دهد.

-انسان از آغاز پیدایش لذت‌های خود را نمی شناسد و استعداد درک همه آنها ندارد در ابتدا لذت خوردن و آشامیدن را درک می کند سپس لذت بازی را و آنگاه که بر سن بلوغ می رسد لذت جنسی را می فهمد این طور نیست که از آغاز پیدایش همه لذت‌هایی که برای انسان به طور کلی میسر است بشناسد یک سلسله لذت‌هایی است که به طور طبیعی برای انسان پیدا نمی شود انسان‌های متعارف و سالم در سنین خاصی خود به خود لذت‌های مذکور را درک می کنند ولی یک سلسله لذت‌هایی است که باید خود انسان تلاش کند تا استعداد آنها را بیابد اگر تلاش نکند و استعداد درک این لذت‌ها را پیدا نکند فقط و فقط به لذت‌های طبیعی دل می بندد و به آنها سرگرم می شود. ۴

ابزار درک لذت‌های معنوی

درک لذت‌های معنوی ابزار می خواهد و ابزار درک آن دل و فقط دل است دل زنده و آباد و سالم که بتواند لطائف معنوی را درک کند.

عواملی که این ابزار را از کار می اندازد:

۱- گناه:

گناه دل انسان را می میراند و مانع اثرپذیری و خاشع شدن دل می شود.

امام علی (ع) می فرمایند:

❁ ما قست القلوب الا للکثرة الذنوب ❁

سخت نمی شود دل‌ها مگر به علت زیادتی گناهان ۵

۲- پرگونی (زیاد حرف زدن)

رسول خدا (ص): لولا تمنغ قلوبکم و تزیدکم فی الحدیث لستم تعتم ما اسمع

اگر پراکندگی قلوب شما و پرگونی شما نبود هر آینه می شنیدید هر آنچه من می شنوم. ۶

۳- پرخوری

رسول خدا (ص) فرمودند: نمیرانید دل‌ها را به زیاد خوردن و آشامیدن زیرا قلب‌ها می میرند همانند زراعتی که بیش از حد آبش دهند. ۷

۴- پرخواهی

علی (ع) می فرمایند: بسیار خوردن و بسیار خوابیدن قلب را فاسد می کند و آن را می کشد. ۸

۵- گوش دادن به لهویات و موسیقی حرام

رسول خدا (ص) فرمودند: ❁ ثلاث یقسن القلب - استماع اللهو و طلب الصيد و ایتان باب السلطان ❁

سه چیز دل را سخت می کند شنیدن لهو. شکار و آمد و رفت به درگاه سلطان ۹

در مورد عواملی که دل را می میراند احادیث دیگری هم نقل شده که در این مجال نمی گنجد به عنوان مثال: غفلت، ثروت زیاد در ب خانه‌ی سلطان رفتن - مجادله با احمق - مجالست بیش از حد با زنان - مدت زیاد تنها در خانه ماندن و ... از عوامل دل مردگی نام برده شده است.

نیاز انسان به لذت‌های معنوی

شهید بزرگوار استاد مطهری (ره) در کتاب گفتارهای معنوی در بحث توبه اینگونه بیان می دارند که انسان بر خلاف آنچه که خودش خیال می کند یک شخص نیست یک شخص واحد است اما مرکب است نه بسیط یعنی ما که اینجا نشسته ایم به همان تعبیری که در حدیث آمده است یک جماد اینجا نشسته است. یک گیاه هم اینجا نشسته است. یک حیوان شهوانی هم اینجا نشسته است. یک سبب و درنده هم اینجا نشسته است. یک شیطان هم اینجا نشسته است و یک فرشته هم در همین حال اینجا نشسته است.

یعنی یک انسان به قول شعرا طرفه معجونی است که همه خصایص در وجود او جمع است. اگر انسان یکی از جنبه‌ها را در وجود خود تقویت کند و به سایر جنبه‌ها توجه نکند سایر غرایز خود را حبس کرده و به زندان انداخته است آن‌ها را عصبانی و ناراحت کرده است حق و حظ آن‌ها را نداده است بنابراین او دنبال فرصت می گردد تا زنجیرها را پاره کند.

انسانی که گناه و معصیت می کند و غرق در شهوات و درندگی است فرشته‌ی وجودش را آزار داده و اشباع نکرده است.

انسان تعداد زیادی دهان دارد از همه آنها باید به او غذا برسد یکی از دهان‌های انسان دهان عبادت است باید روح خودش را به عبادت کردن راضی کند.

یعنی باید این حق و حظ را به او بدهد.

انسان یک موجود ملکوتی است باید پرواز کند به سوی آن عالم وقتی فرشته وجودش را زندانی

می‌کند آن وقت فجایع و غوارض و ناراحتیهای زیادی به بار می‌آید.

مثلاً ممکن است یک جوان مرفه که همه‌ی وسایل برایش فراهم است به یک بهانه‌ی کوچک خودکشی کند آنوقت همه می‌گویند نمی‌دانیم چرا خودکشی کرد؟ چرا برای این موضوع کوچک خودکشی کرد؟

علت این است که در وجود او نیروهای مقدسی زندانی بوده، آن نیروهای مقدس از این زندگی رنج می‌برده‌اند طاقت نمی‌آورده‌اند در نتیجه ضعیفانی به این شکل بوجود آمده است.

آن یکی در کنج زندان مست و شاد

وان دگر در باغ ترش و بی‌مراد

گاهی کسی در باغ و بوستان زندگی می‌کند همه وسایل برایش فراهم است اما ناراحت است از زندگی راضی نیست.

راه لذت از درون دان نر بیرون

احمقی دان جستن از قصر و حصون

برای اینکه یک لذتهایی وجود دارد که از درون باید به انسان برسد، نه از بیرون و آن لذتهای معنوی است.

آنچه ما را به لذتهای معنوی می‌رساند:

وقتی انسان از چیزی لذت می‌برد دلیل بر این است که درونش می‌خواسته به چیزی برسد همیشه لذت از رسیدن پیدا می‌شود و آلم و درد از نرسیدن به کمائی که انسان باید برسد.

۱- کمال:

هر کمائی خواه ناخواه نوعی لذت به دنبال می‌آورد و لو اینکه طالب کمال در طلب آن لذت نباشد. و دنبال آن لذت هم نمی‌رود او کمال را برای خود کمال جستجو می‌کند اما کمال خود به خود برای انسان لذت می‌آفریند.

۲- اطاعت از وجدان

وقتی انسان با فرمان و جدانش مخالفت کند احساس تلخی می‌کند رنج می‌کشد. ولی وقتی ندای وجدان را اطاعت می‌کند غرق در نوعی خاص از مسرت و لذت می‌شود لذت و شادمانی که قابل توصیف نیست کسی که ایثار می‌کند در درونش به نوعی احساس رضایت می‌رسد کسی که برای راحتی دیگران رنجی را متحمل می‌شود در وجود خود لذتی احساس می‌کند که نظیر آن را در هیچ

لذت مادی درک نمی‌کند.

۳- ارتباط با خدا

ارتباط با خدا انسان را از هر وابستگی دیگری مستغنی می‌سازد و به عالی‌ترین لذتها نائل می‌گرداند. انسان اگر وجود خود را عین ربط و تعلق به او ببیند و برای خود هیچ گونه استقلالی مشاهده نکند لذت استقلالی از همان موجود خواهد بود.

بنابراین مطلوب حقیقی انسان که عالی‌ترین لذتها را از او می‌برد موجودی است که هستی انسان قائم به او و عین ربط و تعلق به او باشد و لذت اصیل از مشاهده ارتباط خود با او یا مشاهده او در حالیکه به او وابسته و قائم است و در حقیقت از مشاهده پرتو جمال و جلال او حاصل می‌شود.

در بحث ارتباط با خدا بحث در موضوع یاد خدا، نماز و انس با خدا و راز و نیاز با او، از مهمترین مصادیق لذت معنوی به حساب می‌آید که مروری کوتاه بر آن‌ها خواهیم داشت.

لذت حب و انس با خدا:

امام سجاد (ع): در مناجات‌المجبین می‌فرمایند:

«الهی من ذالذی ذاق حلاوه محبتک فرام منک بدلا و من ذالذی انس بقربک فابتغی عنک حولا»

خدایا کیست که شیرینی محبت تو را چشیده باشد و در صدد جانشینی برای تو باشد؟ و کیست که به قرب تو انس گرفته باشد و بخواهد از این حالت منصرف و به حالت دیگر منتقل شود؟ یعنی اگر کسی شیرینی محبت تو را چشیده باشد، به دنبال بدلی نخواهد رفت و غیر از تو را دوست نخواهد داشت و اگر کسی با تو انس بگیرد حالت دیگری را غیر از انس با تو نمی‌پسندد.

یعنی آنقدر انس با خدا لذیذ است که اگر کسی با او انس گرفت دیگر نمی‌خواهد از او جدا شود نتیجه اینکه ما با خدا انس نگرفته‌ایم چون نماز خواندن بر ایمان دشوار است وقتی می‌خواهیم نماز بخوانیم دنبال بهانه‌ای می‌گردیم تا به سراغ کار دیگری برویم آن کشش و جاذبه‌ای که ما را به سوی عبادت و انس و محبت واقعی سوق دهد نیست.

حال چه کنیم تا خدا را دوست بداریم با او انس بگیریم و از عبادتش لذت ببریم خداوند در یک حدیث قدسی به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: ای موسی کاری کن بندگانم مرا دوست بدارند موسی عرض کرد چه کار کنم؟ خداوند فرمود: نعمت‌های من را برایشان بیان کن و به یادشان بیاور. این در فطرت انسان است که اگر کسی به انسان خدمت کند او را دوست خواهد داشت. انسانها

توجه ندارند که خدا چه نعمتهایی به آنان داده است ارزش نعمت‌ها را نمی‌دانند برای همین محبتشان نسبت به خدا کم است^{۱۱}

هر قدر توجه انسان به نعمتهای خدا بیشتر شود به همان اندازه خدا را بیشتر دوست خواهد داشت و هر کس خدا را بیشتر دوست بدارد صحبت کردن با او، مناجات و راز و نیاز با او برایش لذت بخش‌تر می‌شود.

داستان‌های زیادی از نماز خواندن اولیای خدا و بزرگان دین شنیده‌ایم که همه بیانگر سپری کردن لحظاتی لذت بخش بین آنها و خداوند است.

آماده شدن و روبه قبله نشستن مدت‌ها قبل از اذان

گریه کردن در نماز طولانی شدن نماز و ...

و نیز تقیّد به خواندن نماز شب که استاد شهید مطهری (ره) در این مورد می‌فرماید: برای کسی که اهل تهجد و نماز شب و جزء صادقین و صابریین و مستغفرین بالاسحار باشد نماز شب لذت و بهجت دارد آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی از نماز خودش می‌برد و آن لذتی که از آن «یا رب» گفتنی می‌برد هیچ وقت یک آدم عیاش که در کاباره‌ها می‌گردد احساس نمی‌کند.^{۱۲}

تلاوت قرآن

امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید:

سپس گروهی صیقل داده می‌شوند و مانند پیکان در دست آهنگر تیز و برآن می‌گردند بوسیله قرآن پرده از دیده‌هایشان برداشته می‌شود و تفسیر و توضیح معانی قرآن در گوشه‌های آنان القا می‌گردد. جامه‌های پیایی حکمت و معرفت را هر صبح و شام می‌نوشند و سرخوش باده معرفت می‌گردند.^{۱۳}

آیه... سیدعلی قاضی (ره) استاد بزرگ اخلاق می‌فرماید:

تلاوت قرآن کریم در شب با صدای زیبا و غم‌انگیز نوشیدنی و شراب مومنان است.^{۱۴}

لذت از دیدگاه قرآن کریم

قرآن نه تنها این میل انسان را انکار نمی‌کند بلکه یک سلسله از تعالیم خود را بر اساس آن مبتنی می‌کند سراسر قرآن آکنده از بشارت به سعادت و لذت، و انداز از عذاب و شقاوت است.

علاوه بر مطالب کلی که در این زمینه هست و نیز انواع بشارت‌هایی که به نعمت‌های اخروی و دنیوی داده شده یا اندازهایی که از عذاب‌های دنیوی و اخروی شده در بعضی موارد تعبیر (لذت) به کار برده

شده است.

﴿فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ﴾^{۱۵}

در آنجا هر چه نفوس به آن میل دارند و چشم‌ها به آن شوق و لذت دارند مهیا باشد.

﴿وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾

و نهرها از شراب ناب که نوشندگان را به حدکمال لذت بخشد.^{۱۶}

در جای دیگر تعبیر سعادت شده است:

﴿مَا الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ﴾^{۱۷}

و اما اهل سعادت هم تمام در بهشت ابد جاودانند و در مقابل آن

﴿فَمَا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ﴾^{۱۸}

اهل شقاوت را در آتش دوزخ در حالیکه آه و ناله حسرت می‌کشند در افکند.

و در اوصاف بهشت آمده است

﴿لَا يَمَسُّ فِيهَا نَجَسٌ وَلَا يَمَسُّهَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾^{۱۹}

در اینجا هیچ رنج و المی به ما نرسد و ابداً ضعف و خستگی نخواهیم یافت و نیز در جای دیگر اینگونه برداشت می‌شود که خداوند می‌خواهد بگوید شما که طالب آن زندگی هستید که خالی از رنج و مشقت باشد این زندگی در آخرت برای مومنین فراهم می‌شود تعبیر حیات در آیه و لنحييته حياه طيبه^{۲۰} انسان را تشویق می‌کند که ایمان و عمل صالح داشته باشد تا خداوند حیات طیبه و زندگی خوش و با لذتی به شما عطا فرماید.

چند داستان کوتاه

* روزی عمروعاص که پیر و ضعیف شده بود با غلام خود (وردان) به نزد معاویه آمد و مشغول گفتگو شدند عمروعاص گفت: ای معاویه دیگر از چه چیز لذت می‌بری؟ گفت: به زن رغبتی ندارم. لباس نرم و خوب هم آنقدر پوشیده‌ام که پوستم به آن عادت کرده و دیگر نمی‌فهمم کدام نرم است. غذای خوب و نرم و گرم هم آنقدر خورده‌ام که نمی‌دانم کدام لذیذتر و خوبتر است بوی خوش هم آنقدر وارد بینی من شده است که نمی‌دانم کدامیک خوش‌بوتر است اکنون لذتی جز این ندارم که در روز گرمی چیز خنکی بنوشم و پسرانم و نوه‌هایم را ببینم که اطرافم می‌گردند ای عمرو تو از چه چیز لذت می‌بری؟ گفت: از بذری که بکارم و از حاصل آن بهره‌برم.

معاویه به وردان نگریست و گفت: تو از چه چیز لذت می‌بری؟ گفت: از بزرگواری که در حق مردم

بزرگ انچه دهنه و عوض آن را ندهند و بمیرم و آن بزرگواری برای اعقاب من برگردن اعقاب آنها
بماند، معذریه گفت چه محسی بدی داشتیم، این غلام از من و تو پیشی گرفت.

* می گویند شیخ طوسی در وقتی شبیه مطالعه می نمود و مشکلی از مشکلات علوم حل می کرد به
وجد می آمد و می گفت این را که در این القیصره اکسری ها و قیصرها کجا هستند که لذت فعلی
مرا درک کنند؟

سید محمد باقر حجت الاسلام شب زفافش بود، تا موقعی که باید پیش عروس می رفت مقداری
زمان داشت در بین فرصت مشغول مطالعه شد و چنان غرق در مطالعه شد که یادش رفت شب زفافش
است. یک وقت صدای زدن را شنید، عروس از این موضوع خیلی ناراحت شد خیال کرد آقا او را
نمی خواهد. ولی آن قسم خورد که مشغول مطالعه شدم و فراموش کردم امشب شب عروسی ماست.
این لذت عده است که بیری هوش به هیچ لذت حسی قابل قیاس نیست.

❁ پی نوشت.

- ۱- خودشناسی برای خود. ص ۳۹-۴۰
- ۲- انسان و بدن ص ۴۳
- ۳- انسان و بدن ص ۳۷-۳۸
- ۴- لذت و سعادت - فصلنامه فرآیند کوشش شماره
دهم ص ۱۷-۱۶
- ۵- علل التشریح ص ۸۱
- ۶- میزان الحکمه جلد ۱
- ۷- قلب سینه ص ۳۲۹
- ۸- قلب سینه ص ۳۳۰
- ۹- میزان الحکمه ج ۲ ص ۴۴۰
- ۱۰- گفتارهای معنوی ۱۱۵-۱۱۱ با اندکی تغییر
- ۱۱- سخنرانی آیه ا... مصباح ۲۵/۷/۸۶
- ۱۲- سایت اندیشه قم
- ۱۳- نهج البلاغه خطبه ۱۴۱
- ۱۴- اسوه عارفان
- ۱۵- زخرف آیه ۷۱
- ۱۶- محمد آیه ۱۵
- ۱۷- هود آیه ۱۰۸
- ۱۸- هود آیه ۱۰۶
- ۱۹- فاطر آیه ۳۵
- ۲۰- نحل آیه ۹۷
- ۲۱- سایت تبیان - حکایات و ضرب المثل
- ۲۲- سایت کتابخانه طهور - سعادت و کمال

❁ منابع:

- خودشناسی برای خودسازی - مصباح یزدی
انسان و ایمان - شهید مطهری انتشارات صدرا
۱۳۷۵
گفتارهای معنوی - شهید مطهری - انتشارات
صدرا ۱۳۸۰ مجموعه آثار
میزان الحکمه - محمدی ری شهری -
انتشارات دارالحديث ۱۳۷۷